



خیلواکی

استقلال

[www.esteghlal.net](http://www.esteghlal.net)

مسعود آذر - بی بی سی

دوشنبه ۲۰ می ۲۰۲۴

## علی خامنه‌ای (خامنه‌ئی) و حاشیه‌های «نان و شراب» در نمایشگاه کتاب تهران

علی خامنه‌ای (خامنه‌ئی) بر اساس یک سنت چندین ساله، در ۲۴ اردیبهشت ماه (ماه ثور) ۱۴۰۳ از نمایشگاه کتاب تهران بازدید کرد. در جریان این بازدید، ویدئویی از اظهارات رهبر جمهوری اسلامی ایران درباره کتاب «نان و شراب» منتشر شد که واکنش (عکس العمل) های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی به همراه داشته است.

آیت‌الله خامنه‌ای در طول بازدید سه ساعته اش در مقابل غرفه انتشارات «نگاه»، کتاب «فونتامارا» و «نان و شراب»، نوشته «اینیاتیسیو سیلونه» را در دست می‌گیرد و می‌گوید این کتاب‌ها را در جوانی خوانده است و در ادامه درباره کتاب «نان و شراب» می‌گوید این کتاب «حرف یونانی‌ها علیه ترک‌های عثمانی است... و تصویر قشنگی از مظلومیت یونانی‌ها در برابر ترک‌های عثمانی را تصویر می‌کند».

آقای خامنه‌ای با وجود اینکه موافقان و بخشی از مخالفانش می‌گویند در ادبیات سررشته دارد و اهل مطالعه است، درباره محتوای این کتاب اشتباه می‌گوید و از قضا دست روی کتابی می‌گذارد که به باور بسیاری از منتقدان با شرایط امروز ایران تناسب و همخوانی دارد و درباره دوران فاشیسم و همدستی کلیسا با حکومت در ایتالیا است.

اشتباه علی خامنه‌ای درباره محتوای کتاب، در حالی در مقابل دوربین‌ها و حاضران بیان می‌شود که همراهانش چیزی نمی‌گویند و تأییدش می‌کنند. علیرضا مختارپور، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی در معرفی این کتاب به رهبر جمهوری اسلامی ایران هم به گونه‌ای سخن می‌گوید که در جریان نشر این کتاب با مترجم جدید هست و به نوعی نقش همراهی و تأیید را ایفا می‌کند.

آقای مختارپور همچنین یادآوری می کند که در اول انقلاب، حوزه هنری خواهان تغییر نام کتاب و حذف «شراب» از عنوان کتاب بوده است که «با مخالفت آقای خامنه ای» روبرو شده بود. نکته جالب این است که وب سایت علی خامنه ای هرچند ویدیوی این گفت و گو را منتشر کرده، ولی در گزارش مفصلی که به همراه گرافیک و عکس منتشر کرده این بخش از سخنان او را حذف کرده و صرفاً درباره ترجمه کتاب نوشته است: «کتاب نان و شراب هم از دیگر آثاری است که نظرشان را جلب می کند. ناشر با ترجمه فرد دیگری منتشر کرده. آقا می گویند این رمان را با ترجمه محمد قاضی خوانده اند و می پرسند این ترجمه با ترجمه مرحوم قاضی فرقی دارد یا نه؟ غرغه دار می گوید ترجمه قاضی مخاطب زمان قدیم را داشت ولی از وقتی ترجمه جدید را ارائه کردیم، استقبال خوبی شده است.»

حدود ۹ دهه از انتشار اولیه کتاب «نان و شراب» (سال ۱۹۳۶) می گذرد. در ایران نیز این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۴۵ با ترجمه محمد قاضی، مترجم سرشناس ایران به فارسی برگردانده شد. این کتاب اولین اثری بود که از «اینیاتیسیو سیلونه» به فارسی برگردانده شد.

انتشار کتاب «نان و شراب» از طریق ناشرانی مانند الفبا، امیرکبیر، زرین ... و با مترجمانی مانند عبدالحسین آل رسول و محمدجواد شجاعی نشان می دهد که از حدود ۶ دهه گذشته کتاب «نان و شراب» همچنان خواننده دارد تا جایی که مترجمان جدیدی اقدام به ترجمه مجدد آن کرده اند. رمز و راز کتاب های سیلونه را باید در سطور نوشته ها و داستان های کوتاه و بلندش جست و جو کرد و اینکه با گذشت این همه سال، چرا خوانندگان جهانی از جمله در ایران با آن همذات پنداری می کنند.

تردیدی وجود ندارد که «نان و شراب» از آثار ناب و فاخر و برجسته قرن بیستم است و در ایتالیا با نام «فاشیسم» نیز شناخته می شود.

در کتاب «نان و شراب» از نظامی سخن به میان می آید که با دروغ و نیرنگ آزادی مردم را سلب می کند. در این میان مردی پاک نیت در میان جنگ و خونریزی می خواهد همانند یک مصلح عمل کند و خیر و نیکی را به مردمش ارزانی کند.

منتقدان ادبی آثار و نوشته های آقای سیلونه از جمله «نان و شراب» را هم سنگ و هم تراز نویسندگانی مانند جورج اورل، نویسنده قلعه حیوانات و آلبرت کامو، نویسنده بیگانه قرار داده اند.

کتاب «نان و شراب» طیف وسیعی از جامعه از نظر سنی و طبقاتی را دربرمی گیرد و هر خواننده ای می تواند برداشت و تلقی خودش را از این کتاب مهیج بدست بیاورد و پیام رهایی از استبداد، ارج نهادن به آزادی و حق تعیین سرنوشت را در سطور آن احساس کند.

در این کتاب صحبت از ایستادگی در برابر فاشیسم و مقابله با همدستی کلیسا و حکومت موسولینی حتی با دستان خالی است و به نوعی می خواهد ایتالیا را از گرداب فاشیسم و مسیحیت نجات دهد. در سطور کتاب «نان و شراب» نشان می دهد که کلیسا باورهای خرافی را ترویج می کند و قهرمان داستان تلاش می کند تا مردم را از این باورها دور کند و از این غفلت بیدارشان کند و اجازه ندهد که با موعظه های کشیشان به خواب بروند.

از این رو کتاب، داستان ایثار و بی پناهی انسان در مقابل یک نظام دیکتاتوری است و به نوعی تکرار داستان آخرین شام عیسی مسیح با حواریون است که مسیح به آنها می گوید «بخورید و بیاشامید، این نان من است و این شراب من است».

بخش هایی از کتاب «نان و شراب»

قهرمان اصلی کتاب نان و شراب «پیترو سپینا» است که به تعبیر محمد قاضی، مترجم کتاب، شبی از خود نویسنده است و از این جهت می توان این کتاب را یک اثر «اوتو بیوگرافیک» به حساب آورد.

کتاب حاوی داستان مهیجی از زندگی دهقانان فقیر (معروف به کافون ها) در ایتالیا است. عادات، آداب و رسوم و اعتقادات خرافی و وضع زندگی اسفبار دهقانان به زبانی ساده و شیرین و پرتنظ و کنایه تشریح شده است.

به گفته محمد قاضی قهرمان این اثر که بی شک یکی از شاهکارهای مدرن ادبیات اجتماعی و سیاسی در قرن اخیر بشمار می رود، خود نویسنده نیست، بلکه همه مردم ایتالیا هستند.

در بخشی از کتاب می خوانیم «دن پائولو می پرسد: شنیده ام در این کوه معدن هست؟ چوپان جواب می دهد: خدا کند که هیچ معدنی نباشد. دن پائولو نمی فهمد که چرا؛ چوپان با خشمی عمیق که در صدای او احساس می شود به دن پائولو می گوید: مادامی که کوه فقیر است از آن ماست اما همین که معلوم شد غنی ست، دولت آن را تصاحب خواهد کرد. دولت یک دست دراز دارد و یک دست کوتاه. دست دراز که به همه جا می رسد، برای گرفتن است و دست کوتاه که برای دادن است فقط به کسانی می رسد که خیلی نزدیک اند».

ما در اجتماعی زندگی می کنیم که در آن جایی برای آزادمردان نیست؛ تنها کشیشانی در امان اند که مذهب را به خدمت حکومت و بانک بگمارند و هنرمندانی که هنر خود را بفروشند و حکیمانی که با دانش خود سوداگری کنند؛ بقیه هر قدر هم که معذور باشند، به زندان می افتند، تبعید می شوند و تحت نظر قرار می گیرند! مشروط بر این که مأمور حاکم بنا به مقتضیات سرشان را بی صدا زیر آب نکند.

آزادی چیزی نیست که آن را به کسی هدیه کنند. می توان در یک کشور دیکتاتوری زندگی کرد و آزاد بود. فقط کافی است که علیه دیکتاتور مبارزه کرد.

زمانی بود که راستگویی هم تا حدی بازار داشت و کم و بیش قابل اغماض بود، اما امروز دیگر اصلا بازار ندارد. پاپ اعظم آن را یک کالای روستایی و بدوی و بسیار پرخرج می داند، در صورتی که دروغ و ریا کالایی است به نرمی مخمل و همیشه رایج و نه تنها ارزان بلکه مفید هم هست.

درباره زندگی و آثار سیلونه

اینیاتیسیو سیلونه معروف به «سکوندینو ترانکیلی» متولد یک می ۱۹۰۰ میلادی است. کودکی او با فقر و تنگدستی سپری شد و در نوجوانی در زلزله ای مرگبار اعضای خانواده اش را از دست داد. او یکی از بنیان گذاران حزب کمونیست ایتالیا بود و زمانی که کتاب نان و شراب را نوشت در تبعید دولت موسولینی به سر می برد. در سال ۱۹۱۷ میلادی همکاری با گروه های سوسیالیستی را آغاز کرد و تا زمانی که فاشیست ها تبعیدش کنند، برای حزب سوسیال فعالیت کرد.

سال های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۱ وی یکی از سازمان دهندگان فعالیت های مخفی ضد فاشیستی بشمار می رفت. مدتی در مسکو بود و پس از آنکه در سال ۱۹۳۰ از حزب کمونیست ایتالیا اخراج شد به سوئیس رفت. در سوئیس شاهکارهایی مانند «نان و شراب» و «دانه زیر برف» را خلق کرد و به فعالیت های ضد فاشیستی و مبارزات غیرعلنی خود با دستگاه دیکتاتوری موسولینی ادامه داد.

سیلونه در سال ۱۹۴۵ پس از سقوط حکومت فاشیستی موسولینی به ایتالیا بازگشت و از طرف حزب سوسیال دموکرات به نمایندگی مجلس شورای ملی ایتالیا برگزیده شد و در سال ۱۹۷۸ درگذشت.

رمان «نان و شراب» و دیگر آثارش یادآور زندگی پردرد کشاورزان و مبارزات ضد فاشیستی آزادی خواهان و سوسیالیست های فعال ایتالیا است.

اکثر آثار آقای سیلونه مانند فانتامارا (۱۹۳۱)، مدرسه دیکتاتورها (۱۹۳۸)، یک مشت تمشک)  
**Raspberry** - از خانواده توت (۱۹۵۲) و خروج اضطراری (۱۹۶۵) حول محور جامعه ایتالیا  
و شرایط سیاسی آن سال ها می چرخد و همانند نخ تسبیح (تسبیح) به هم پیوستگی دارند.